



## Concordance of the Objectives of Creation, Prophethood and Imamate, and Its Effectiveness in the Field of Imamology \*

Hossein Farrokhi<sup>1</sup> and Hossein Mansouri Razavi<sup>2</sup>

### Abstract



The wisdom of God necessitates that creatures are not created in vain. Therefore, He has appointed His messengers as the means to guide His servants towards these objectives. Thus, the objective of prophethood is the realization of the objective of creation. On the other hand, the cessation of prophethood would be a violation of the divine wisdom by interrupting the flow of the objectives of creation. One of the significant theological challenges in the issue of Imamate is the different perspectives of Imami and Sunni theologians on the position of Imamate after prophethood. Imamiyyah regards the Imam as a continuation of the prophetic mission, while Sunni scholars incorporate this perspective into all aspects of Imamology by delineating the governmental position of the Imam. Exploring the objectives of creation, prophethood, and Imamate, and proving their unity, in addition to shedding more light on the necessity of the missions of prophets and Imams, should introduce the necessity of Imamate in line with the necessity of prophethood, not merely as a position in governance and the preservation of the social order, as most theologians have emphasized in proving the necessity of Imamate. Furthermore, proving the unity of objectives will be part of the system of proving the unity of the positions of Imamate and prophethood in the guidance path, which will lead to what is stated for prophethood in various circumstances and conditions to be also proven for Imamate. This unity is pursued in the sources of both denominations i.e. Shia and Sunni.

**Keywords:** Objectives of Creation, Objectives of Prophethood, Objectives of Imamate, Duties of Prophethood, Duties of Imamate, Imamology.

---

\*. **Date of receiving:** 06/08/2023, **Date of approval:** 23/01/2024.

1. Graduate Student, Level Three in Imamate Studies, Qom Seminary & Level Four Student in Imamate Studies, Qom Seminary, (Corresponding Author): hosein.farrokhi14@gmail.com.

2. Graduate Student, Level Four in Jurisprudence and Its Principles, Qom Seminary and Level Three Student in Nahj al-Balaghah: h.mansourh57@yahoo.com.



## همسویی اهداف خلقت، نبوت، امامت و اثربخشی آن در حوزه امامت‌پژوهی\*

حسین فرخی<sup>۱</sup> و حسین منصوری رضی<sup>۲</sup>



### چکیده

لازمه حکمت خداوند، بیهوده خلق نشدن مخلوقین است. از این رو فرستادگان خود را وسیله هدایت بندگان به این اهداف قرار داده است. بدین ترتیب هدف نبوت، تحقق هدف خلقت خواهد بود. از طرفی با ختم نبوت، قطع جریان اهداف خلقت، نقض حکمت خداوند است. از چالش‌های مهم کلامی در مسأله امامت، نگاه متفاوت متکلمان امامیه و اهل سنت به جایگاه امامت پس از نبوت است. امامیه امام را جایگاهی در تداوم جریان نبوت می‌داند و اهل سنت با ترسیم جایگاه حکومتی از امام، این نگاه را در همه حوزه‌های امامت پژوهی دخیل می‌دارند. واکاوی اهداف خلقت، نبوت و امامت، و اثبات وحدت آنها، علاوه بر روشن شدن بیش از پیش ضرورت بعثت انبیاء و ائمه علیهم‌السلام، لزوم ضرورت امامت را نیز در راستای ضرورت نبوت معرفی کند، نه مقامی صرفاً در راستای حکومت و حفظ نظام اجتماعی که اکثر متکلمان در اثبات ضرورت امامت به آن اهتمام داشته‌اند. همچنین اثبات وحدت اهداف، بخشی از منظومه اثبات وحدت جایگاه امامت و نبوت در مسیر هدایتگری خواهد بود که سبب می‌گردد آنچه برای نبوت در شرایط و شئون بیان می‌شود در امامت نیز اثبات گردد. وحدت مذکور در منابع فریقین پیگیری شده است.

واژگان کلیدی: اهداف خلقت، اهداف نبوت، اهداف امامت، وظائف نبوت، وظائف امامت، امامت پژوهی.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲.

۱. دانش‌آموخته سطح سه امامت حوزه علمیه قم، بنیاد فرهنگی امامت و دانش پژوه سطح چهار امام‌شناسی حوزه علمیه قم (نویسنده

مسئول): hosein.farrokhi14@gmail.com

۲. دانش‌آموخته سطح چهار فقه و اصول حوزه علمیه قم و دانش‌آموخته سطح سه نهج البلاغه: h.mansourh57@yahoo.com



## مقدمه

از جمله صفات ثابت در نظر مسلمانان برای خداوند حکمت است. ضرورت حکمت، بیهوده نیافریدن عالم توسط او است. (انبیاء: ۱۶). از طرفی رساندن این اهداف به مخلوقین جهت تحقق آن و اتمام حجت بر ایشان، بخشی از تحقق حکمت خداوند است. از این رو نبوت، راه شناساندن هدف خلقت قرار داده شد. پس از ارسال تعداد کثیری از هادیان الهی به هدف خلقت، جریان نبوت توسط پیامبر خاتم حضرت محمد ﷺ به پایان رسید. اما جریان تحقق اهداف خلقت، پس از ایشان ضروری است. تحقق این هدف، در جایگاه امامت قرار داده شد. واکاوی و اثبات وحدت اهداف خلقت و نبوت و امامت، علاوه بر اثبات اهمیت جایگاه نبوت و امامت - که نبود آنها عدم تحقق هدف خلقت است - (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۷۴)، نگاهی نو را در ادبیات نظام‌مند امامت در آثار اندیشمندان امامیه و اهل سنت ارائه می‌دهد. نگاهی فراتر از جایگاه یک حاکم و مجری احکام و ناظم به امور اجتماعی که اکثر متکلمان فریقین جهت اثبات ضرورت وجود امام از آن بهره بردند، بلکه جایگاهی در تداوم جریان نبوت، و در تحقق هدف هدایتگری.

## الف. اهداف خلقت

در منظومه ادله نقلی اهداف متعددی در راستای هدف خلقت معرفی گردیده است:

### ۱. معرفت

شناخت و معرفت خداوند از جمله اهدافی است که برای خلقت قرار داده شده است. تأکید اهل بیت ﷺ و ثمراتی که بر معرفت مترتب است، گواه بر این نکته است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۴۷/۸) از این رو امام حسین ﷺ هدف خلقت را معرفت معرفی می‌کنند و عبادت و حفظ از شرک را از ثمرات آن می‌دانند.

خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْتَبُوا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ. (صدوق، ۱۳۸۵: ۹/۱)

این بیان، خود دلیلی بر افزایش اهمیت معرفت در منظومه دینی است. به این معنی که، لازمه عبادت و بندگی، معرفت به خدایی است. همان‌طور که قرآن نیز به تقدم معرفت بر عبادت دلالت می‌نماید (انبیاء: ۲۵). دلالت به اینکه مقدمه عبادت خداوند، علم عابد به آن است که خدایی جز معبودش نیست. عبادتی بدون وجود تشبیه و شرک در آن.

## ۲. ایمان و اطاعت فرستادگان الهی

از آن جا که ارتباط مستقیم خداوند با بندگان میسر نیست، بایسته است خداوند فرستادگانی را جهت معرفی بندگان به مسیر هدایت ارسال نماید. امام صادق (ع) فرمودند:

چون ثابت کردیم که ما آفریننده و صانعی داریم که از ما و تمام مخلوقین برتر است و روا نباشد که خلقتش او را ببینند و لمس کنند و بی واسطه با یک دیگر برخورد و مباحثه کنند، ثابت شد که برای او سفیرانی در میان خلقتش باشند که خواست او را برای مخلوق و بندگانش بیان کنند و ایشان را به مصالح و منافعشان و موجبات تباه و فنایشان رهبری نمایند. پس وجود امر و نهی کنندگان و تقریر نمایندگان از طرف خدای حکیم دلنا در میان خلقتش ثابت گشت و ایشان همان پیغمبران و برگزیده‌های خلق او باشند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۸/۱)

با توجه به اهمیت ارسال پیامبران، دستور به اطاعت از ایشان و قرار دادن این دستور در عداد اهداف خلقت، بستری جهت حرکت مخلوقین، در مسیر دیگر اهداف خلقت است؛ زیرا شناخت هدف خلقت، از طریق انبیا اتفاق می افتد و در صورت عدم تبعیت از فرستادگان الهی و عمل نمودن به دستورات ایشان، دیگر اهداف خلقت محقق نخواهد شد. امام باقر (ع) این هدف را، از زبان خداوند در پاسخ به سؤال حضرت آدم از علت خلقت اینگونه بیان می فرمایند:

خداوند متعال فرمود: برای آنکه مرا عبادت کنند و شریکی برای من قائل نشوند و ایمان به پیغمبران من بیاورند و پیروی و متابعت ایشان نمایند. (صدوق، ۱۳۸۵: ۱۰/۱)

روشن است دستور به تبعیت از فرستادگان الهی در حقیقت همان دستور به اطاعت از تکالیف الهی است؛ زیرا ایشان کلامی از خود بیان نموده اند و سخن گوی خداوند متعال اند ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ (نجم: ۳-۴).

به این ترتیب اطاعت از دستورات الهی از اهداف خلقت بیان شده است. البته در بین دستورات الهی برخی دارای تأکید و اهمیت فزون تری است، به طوری که شماری از آنها خاصاً به عنوان هدف خلقت معرفی شده اند. عبادت (صدوق، ۱۳۸۵: ۱۰/۱)، تقوی (ثقفی، ۱۴۱۰: ۱۵۶/۱)، احسان (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴: ۱۰)، ولایت اهل بیت (ع) (عباشی، ۱۳۸۰: ۲/۲۶۸) از جمله این مصادیق است.

## ۳. ابتلاء و امتحان الهی

پیروی از دستورات الهی، طریقی برای شناخته شدن بندگان حقیقی خداوند است. در مسیر خلقت حکیمانه عالم، قرار دادن محکی برای شناخت بندگان حقیقی ضروری است. از این رو امتحان بندگان



الهی از جمله اهداف خلقت، انتخاب می‌شود. و مراد از امتحان الهی همان قرار دادن حجتی برای خداوند بر بندگان در دریافت مواهب الهی است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (هود: ۷).

امام صادق علیه السلام نیز به این هدف در پاسخ زندیقی که از علت خلقت پرسش می‌کند اشاره می‌فرماید (طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۳۸/۲).

بدین ترتیب از جمله اهداف خلقت، امتحان نمودن مخلوقین با میزان اطاعت پذیری ایشان نسبت به دستورات الهی است تا ملاکی جهت اعطای اجر هر کس به اندازه ارزش و عمل او باشد. در واقع نتیجه «اطاعت از تکالیف الهی»، تحقق «ابتلا و امتحان الهی» است.

#### ۴. اهداف خلقت نزد اهل سنت

اگرچه اهداف بیان شده ناظر به متون امامیه مطرح گردید، اما در گفتگوی با اهل سنت اختلاف چشمگیری نیست. زیرا مبنای «ابتلاء» آیات قرآن بود (هود: ۷) که در حجیت بین فریقین مشترک است. مضافاً بر این، اعظم اهل سنت در هدف «اطاعت از تکالیف الهی» در تفسیر آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) به این مطلب اشاره نموده‌اند. سمرقندی در ضمن این آیه به نقل از مجاهد می‌گوید: «ما خلقتهم إلا لآمرهم، وأنهم» (سمرقندی، بی تا، ۳/۴۸۸).

طبری (۱۴۲۰: ۴۴۴/۲۲)، زمخشری (۱۴۰۷: ۱۴۰۶/۴)، فخر رازی (۱۴۲۰: ۱۹۲/۲۸)، ابن کثیر (۱۴۱۹: ۳۹۶/۷)، آلوسی (۱۴۱۵: ۲۱/۱۴)، طنطاوی (۱۹۹۷ م، ۲۹/۱۴) و سایر مفسرین نیز در تفاسیر خویش به این مطلب اذعان نموده‌اند.

اما نسبت به «معرفت»: ابن قتیبه (۱۳۹۸: ۴۲۲)، ابومنصور ماتریدی (۱۴۲۶: ۳۹۵/۹)، ثعلبی (۱۴۲۲: ۱۲۰/۹)، کواشی (بکری، ۱۴۲۵: ۳۳/۱) و ثعالبی (۱۴۲۰: ۳۰۷/۵) نیز در تفاسیر خود علاوه بر عبادت در آیه، توحید را که همان معرفت بیان شده در اهداف است جزئی از اهداف خلقت می‌خوانند. بخاری نیز توحید را هدف خلقت اهل سعادت ارائه می‌کند (بخاری، ۱۴۲۲: ۱۳۹/۶). یعنی در باور او ثمره معرفت، هدایت به سعادت و کمال است.

نسبت به هدف «ابتلا» نیز مفاخر اهل سنت همچون ثعلبی (۱۴۲۲: ۱۵۹/۵)، زمخشری (۱۴۰۷: ۳۸۰/۲)، ابن جوزی (۱۴۲۲: ۳۵۹/۲)، فخر رازی (۱۴۲۰: ۳۲۰/۱۷)، بغوی (۱۴۲۰: ۴۴۰/۲) و دیگران به آن شناسایی داده‌اند.

اما نسبت به دلیل ایمان و اطاعت از فرستادگان الهی، با پذیرفتن «اطاعت از تکالیف الهی» به‌عنوان یکی از اهداف خلقت و انحصار راه رسیدن این تکالیف توسط انبیا، خدش‌های به سیر نوشتار در نگاه اهل سنت وارد نخواهد شد. زیرا آیان قرآن به آن دلالت دارند.

## ب. اهداف نبوت انبیاء

آغازین قدم هر اندیشمند کلامی در بحث نبوت، اثبات ضرورت نبوت است. در همان قالب نیز به اهداف و فوائد و وظائف نبوت وارد شده و از آنها در جهت اثبات ضرورت نبوت بهره می‌گیرند. (سید مرتضی، ۱۴۱۱: ۳۲۳)، (حلبی، ۱۴۰۴: ۱۵۳)، (حلی، ۱۳۸۲: ۳۴۶/۳۴۷-۳۴۷) در متون کلامی، اهداف متعددی در بعثت انبیا مطرح می‌شود که بازگشت آنها به اهدافی است که در ادامه ذکر می‌گردد:

### ۱. معرفت

در بحث گذشته معرفت از جمله اهداف خلقت معرفی شد. این مقوله از اهمیت ویژه‌ای در تراث دینی برخوردار است. به طوری که اصل آن مفروض، و جواز جهل به میزان حداقلی تعیین شده، داده نشده است و هر بنده‌ای در مسیر هدایت باید دارای آن حداقل باشد (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۶/۱). حتی به فرموده امام صادق علیه السلام بعثت انبیا محقق نشد مگر به معرفت ایشان به خداوند متعال (برقی، ۱۳۷۱: ۲۳۴/۱).

از طرفی فضل علم و عالم بر کسی از اهل تحقیق پنهان نیست. به طوری که بسیاری از معاجم روایی، بابی به مضمون فضل علم و عالم، در کتب خود اختصاص داده‌اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله رأس علوم را معرفت به خداوند معرفی می‌نمایند (صدوق، ۱۳۹۸: ۲۸۵) که قابل توجه هر طالب علمی خواهد بود. جمله این نکات، نشان از ب‌های اصل معرفت خداوند متعال و طالب آن است. از این روشیسته است از جمله اهداف بعثت انبیا نیز دعوت بندگان به معرفت و اعتقاد به خداوند متعال باشد. امام صادق علیه السلام در همین معنا می‌فرماید:

انبیاء عظام را برانگیخت و ایشان را موظف ساخت با بشارت و انذار، خلائق را به او دعوت نموده تا هالکین با وجود بینه و برهان هلاک شده و رستگاران با قیام حجت و دلیل رستگار گشته و به حیات جاوید نائل شده باشند و نیز بدین وسیله بندگان آنچه را که قبل از بعثت رسل جاهل بودند تعقل کرده و ربوبیت حق عزوجل را که منکر بودند بشناسند و اقرار به وحدانیتش کرده و معبود یکتا را که از روی عناد نمی‌پرستیدند، به یگانگی پرستیده و ستایش نمایند. (صدوق، ۱۳۸۵: ۱۲۰/۱)

آشکار است لازمه اثبات خداوند و خروج از جهل به او و پذیرش ربوبیت و عدم انکار و عنادی که در روایت اشاره شده است، در حقیقت معرفت سازی به او است. بدون معرفت و شناخت، انتظار ایمان و اقرار، غیر عاقلانه خواهد بود. بدین ترتیب از اهداف انبیا دعوت به معرفت خداوند است.



## ۲. رساندن تکالیف الهی

اطاعت از تکالیف الهی از جمله اهداف خلقت معرفی شد. علم به مصالح و مفاسدی که آدمی جدای از ارتباط با نبوت، دسترسی به آن ندارد. (بقره: ۱۵۱) (فاضل مقداد، ۱۴۲۰: ۱۴۵) مرحوم نراقی رساندن تکالیف به بندگان را جامع هدف بعثت انبیا می‌داند. (نراقی، ۱۳۶۹: ۹۱) مضافاً بر اینکه در معنای لغوی و اصطلاحی نبی این مهم نهفته است. خداوند متعال می‌فرماید: «رَبَّنَا وَ ابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُرَكِّبُهُمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (بقره: ۱۲۹)

در این آیه، نخستین وظیفه انبیا تلاوت و در پی آن تعلیم آیات خداوند دانسته می‌شود، که در حقیقت همان رساندن تکالیف از جانب خداوند و تبیین آن است. همان‌طور که در کلام امام صادق علیه السلام در پاسخ زندیقی که از ضرورت بعثت انبیا سؤال می‌کند این مهم اشاره شد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۸/۱). بدین ترتیب از اهداف بعثت انبیا، رساندن تکالیف الهی است. و همان‌طور که در اهداف خلقت، برخی از این تکالیف به جهت اهمیت آن، خاصاً به‌عنوان هدف خلقت معرفی شدند، در اهداف بعثت نیز این تأکید به چشم می‌خورد، و آن اعمال به‌صورت مصداقی به‌عنوان هدف بعثت انبیا معرفی شده است. عبادت (نحل: ۳۶)، تقوی (بقره: ۱۲۹؛ تمیمی، ۱۴۱۰: ۳۰۴)، احسان (قمی، ۱۴۰۴: ۱۷۷/۱)، ولایت اهل بیت علیهم السلام (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۵۱/۱) و دعوت به آن (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۳۷/۱) از جمله آن موارد است.

## ۳. امتحان و ابتلای الهی

امتحان الهی از جمله اهداف خلقت معرفی شد. در این بخش امتحانات الهی به دو بخش تقسیم می‌شود: گاه ملاک در امتحان، اطاعت دستورات الهی در اوامر عمومی است. یعنی شخص با عمل به دستورات دین همچون نماز و روزه و جهاد و کمک به دیگران و... وسیله امتحانش محقق می‌شود. به بیان دیگر اطاعت دستورات الهی و ترجیح اوامر و نواهی او بر تمایلات نفس، در راستای امتحان الهی است. راه تحقق این امتحان، رساندن دستورات الهی توسط انبیا است.

گاه ملاک در امتحان الهی، شخص حجت الهی و اعتماد به ایشان در دستور خاصی که به ظاهر، پذیرش آن صحیح پنداشته نمی‌شود، است.

داستان اصحاب حضرت نوح و وعده عذابی که در ظاهر از آن تخلف شد برای امتحان اطرافیان ایشان (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۶)، همچنین صحنه‌های متعدد امتحان در طول رسالت حضرت موسی

همچون دستور به توشه بر نداشتن برای سفر، دستور به جنگ با گروهی که به ظاهر قدرتمند بودند، دستور به تبعیت از هارون در نبود ایشان و دستور به ورود به نیل خروشان و تخلف عده‌ای در همه این اوامر و همچنین امتحانات متعدّد پیامبر خاتم از مردم در تبعیت، همچون داستان بیعت شجره - که آن را خلاف وعده پیامبر می خواندند -، تخلف از دستور به شرکت در سپاه اسامه، و ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام از جمله این موارد است. از این رو وسیله تحقّق امتحان الهی در هر دو قسم، پیامبران بودند.

#### ۴. اهداف نبوت نزد اهل سنت

اهدافی که از نبوت انبیا بیان شد با توجه به منابع امامیه است. اما در آثار اهل سنت نیز این اهداف مشهود است. ابن ابی العز در شرح طحاوی (۱۴۲۶: ۶۹/۱) «معرفت» را هدف رسالت معرفی می کند و بنای تمام رسالت را بر آن می داند. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳: ۲/۲۴۰)، ماتریدی (۱۴۲۶: ۱۷۶/۱)، فخر رازی (۱۴۲۰: ۳/۴۷۶)، نیز آن را از اهداف بعثت و محمد بن عبدالوهاب (بی تا، ۱/۶۵) آن را هدف اصلی نبوت می داند. ابن عطیه (۱۴۲۲: ۳/۳۹۲) و بن باز (۱۴۱۷: ۱/۴۸) نیز توحید و نفی شرک را هدف بعثت می خوانند، و اشاعره راه معرفت را منحصر در بعثت می دانند (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۱۷۶/۱).

در هدف «امتحان و ابتلای الهی» - که همان اطاعت از دستورات الهی است و انبیا وسیله تحقّق آن هستند - نیز علمای اهل سنت سخن ایراد نموده اند. زجاج (۱۴۰۸: ۳/۱۹۷)، ابن ابی حاتم (۱۴۱۹: ۷/۲۲۱۳)، ماتریدی (۱۴۲۶: ۱/۱۷۶)، ابن جوزی (۱۴۲۲: ۲/۵۹۹)، آلوسی (۱۴۱۵: ۱۴/۲۱)، ابن کثیر (۱۴۱۹: ۷/۲۲۳)، ابوحیان اندلسی (۱۴۲۰: ۶/۵۲۸)، ثعلبی (۱۴۲۲: ۲/۲۷۱) از جمله ایشان هستند. هدف «ولایت اهل بیت علیهم السلام» را سید شهاب الدین احمد از ابونعیم نقل نموده (لکهنوی، ۱۴۰۴: ۱۶/۳۸۰) و خاصّتا هدف «اطاعت از فرستادگان الهی» که در ضمن عنوان «امتحان و ابتلای الهی» مطرح شد را نیز واحدی نیشابوری (۱۴۳۰: ۶/۵۵۹) به آن پرداخته است.

#### ج. اهداف امامت

پس از بیان اهداف خلقت و اهداف نبوت، به اهداف امامت پرداخته خواهد شود. با دقت در مصادر روایی و تاریخی، تمامی اهدافی که در خلقت و نبوت مطرح شد، در حیطة امامت اهل بیت علیهم السلام نیز کاملاً مشهود است.

#### ۱. معرفت

در طول تاریخ علی رغم معرفت افزایی انبیا به مسأله معرفت به خداوند، پیروان ایشان در این مسأله به انحراف رفته و از درک حقیقت توحید بازمانده اند. تثلیث و پسر خدا خولندن عزیز و عیسای نبی





(توبه/۳۰) و دختر خدا دانستن ملائکه (نحل/۵۷) (اسراء/۴۰) گوشه‌ای از انحراف در توحید است. در این بین آخرین دینی که در جهان به‌عنوان دین الهی معرفی شد دین اسلام است. رسول خدا در طول رسالت خویش، تمام قد در برابر کفر و شرک ایستاد. خانه کعبه و جزیره العرب را از وجود بت‌ها پاک، و تا عمر شریف ایشان اجازه داد در گسترش آن به تمام منطقه فروگذاری نکرد.

پس از ایشان نیز تا به امروز همواره نزاع بر مسأله توحید و در نتیجه لزوم تبیین توحید باقی است. بسیاری از مسائل مطرح شده در مباحث و کتب کلامی بازگشت به مسأله توحید دارد. مسأله اصل وجود خداوند، تشبیه، حدوث و قدم، جبر و تفویض، قضا و قدر، صفات خداوند، عدل الهی، خلق قرآن، رؤیت خداوند، شفاعت و توسل و زیارت و بسیاری از موارد دیگر، به جهت اختلاف در مسأله توحید و عدم درک صحیح از آن است.

بر همگان غامض بودن مسأله توحید روشن است. امام صادق علیه السلام فرمودند: بپرهیزید از اندیشه کردن در خدا؛ زیرا که اندیشه کردن در خدا چیزی را نیفزاید غیر از حیرت. به درستی که خدای عزّ و جل چنان است که نه دیده‌ها او را دریابد و نه به مقدار و اندازه وصف شود. (صدوق، ۱۳۹۸: ۴۵۷)

در روایات امامیه تحیر، هلاکت، شک، دیوانگی، حبط عمل، عدم غفران (کلینی، ۱۴۰۷: ۹۲/۱-۹۳)، عدم وصول به نتیجه (برقی، ۱۳۷۱: ۲۳۹/۱)، نابودی دین، شرارت (صدوق، ۱۳۹۸: ۴۵۶-۴۶۰)، کفر (سید رضی، ۱۴۱۴: ۴۷۳)، غلو (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۲/۲)، فساد نیت (سید بن طاوس، ۱۳۷۵: ۶۲)، مشغولیت از ذکر خدا، نفاق، کذب و کینه (صدوق، ۱۳۷۶: ۴۱۸) از آثار تعمق و تفکر در خداوند متعال معرفی شده است.

این نگاه محدود به امامیه نیست. در روایات اهل سنت نیز تفکر در خداوند نهی شده است. به‌گونه‌ای که کسانی که در اسما و صفات خداوند سخن گویند اهل بدعت معرفی می‌شوند.

«سَمِعْتُ مَالِكَ بْنَ أَنَسٍ يَقُولُ: إِيَّاكُمْ وَالْبِدْعَ قَقِيلٌ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَمَا الْبِدْعُ؟ قَالَ: أَهْلُ الْبِدْعِ الَّذِينَ يَتَكَلَّمُونَ فِي أَسْمَاءِ اللَّهِ وَصِفَاتِهِ وَكَلَامِهِ وَعِلْمِهِ وَقُدْرَتِهِ» (مقرئ، بی تا، ۸۲/۱).

در روایات دیگر اهل سنت کفر، هلاکت، حیرت، دیوانگی (سیوطی، بی تا، ۸۴/۱)، بدعت و عدم قضای حاجات دنیا (هروی، ۱۴۱۸: ۵۱-۵۵) از عواقب این عمل شمرده شده است.

توجه به اهمیت مسأله توحید از طرفی و از طرف دیگر توجه به دشوار بودن تبیین موضوعات مرتبط به توحید، لزوم مرجعیت کسی که یارای حل این معضل را داشته باشد را، بیش از پیش روشن می‌نمایاند. معرفی این مرجعیت در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث ثقلین به قرآن و اهل بیت علیهم السلام پس از ایشان به وضوح بیان شده است. اطلاق این تمسک، قطعاً موضوع دشواری مثل توحید را -که فریقین بر محتمل

دانستن گمراهی به دلیل دشواری آن نظر دارند- در بر می‌گیرد. عمل ایشان در تبیین این مسأله در قالب‌های متنوعی چون خطبه همچون خطبه‌های امیرالمؤمنین (سید رضی، ۱۴۱۴: خ ۱، ۴۹، ۷۲، ۸۶، ۹۴، ۹۶، ۱۰۹ و...)، و احتجاجات همچون احتجاجات با گروه‌های مختلف از یهود و نصاری و زنداچه در زمان‌های مختلف (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱۹۸، ۲۲۶، ۲۴۰)، همگی بذری از بذر افشانی ایشان در باب توحید است. ابواب توحید در مجامع روایی امامیه گویای این حقیقت است.

## ۲. رساندن تکالیف الهی

اهتمام اهل بیت (ع) در رساندن تکالیف الهی بر هر اهل تحقیقی روشن است. ایشان با علم به همه نیازهای بشری در زوایای مختلف زندگی، هر آنچه که امت به آن احتیاج دارد را بیان نموده‌اند. همان‌طور که از حضرت آدم تا به حضرت خاتم (ع) این رسالت بر هر فرستاده الهی بوده است. حضرت آدم (ع) در زمان وفاتشان خطاب به وصی خود به شیث می‌فرمایند:

این وصیتنامه زیر سر من است، وقتی که من فوت کردم تو آن را بردار و در آن برگزیده علم و اسم اکبر خداوند و هر چه از امر دینت که به آن احتیاج پیدا می‌کنی وجود دارد. آن صحیفه‌ای است که با آدم (ع) از بهشت فرود آمد. (راوندی، ۱۴۰۹: ۹۲۲/۲)

بدین ترتیب تبیین احتیاجات دنیوی و اخروی، سنت همه فرستادگان الهی از حضرت آدم تا منجی عالم خواهد بود. دقت در ترائی که از ایشان رسیده این مهم را کاملاً مشهود می‌نمایند. بیانات در ریزترین مطالب فردی اعم از طریقه شرب و اکل تا مسائل عبادی چون نماز و روزه و حج، و مسائل اخلاقیات مصطلح و مسائل مهمی چون تشکیل خانواده و ملاک‌های انتخاب همسر و مسائل زناشویی و تربیت فرزند و طریقه برخورد با خانواده و حقوق و ارزش آن، و همچنین مسائل اجتماعی اعم از حقوق خویشاوندان و استاد و همسایه و طریقه تعامل در جامعه مؤمنین و جامعه کفار و مشرکین و مخالفین و احکام معاملات، و مسائل حکومتی چون احکام دیات و حدود و امنیت و حقوق حاکم و رعیت، همگی بخشی از تلاش اهل بیت (ع) در تحقق هدف رساندن تکالیف الهی به بندگان است.

## ۳. امتحان و ابتلای الهی

تقسیم دوگانه امتحان الهی که در بخش «امتحان الهی» در «اهداف نبوت» گذشت در این مرحله نیز جریان دارد، و چه بسا امتحان اصلی خداوند در قسم دوم از امتحان است. زیرا جمعی از بندگان در برخی از اوامر، مثل عبادات که مخالف خواسته هایشان نیست، و به آن عادت نموده‌اند مطیع هستند (طبرسی، ۱۳۸۵: ۸۹)، اما زمانی که امر به مطلبی شوند که با امیال و باورهای خود در تضاد است



اطاعت نمی‌کنند و صحنه امتحان الهی که همان اهمیت اطاعت و تسلیم است (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۰/۱) شکل می‌گیرد. از اولین موارد این امتحان، عدم سجده شیطان بر حضرت آدم است. او به خدا عرض کرد: من را از این امر معاف بدار تا عبادتی کنم که هیچ ملک مقرب و نبی مرسلی آن را انجام نداده باشد. خداوند فرمود: «لَا حَاجَةَ لِي إِلَى عِبَادَتِكَ إِنَّمَا أُرِيدُ أَنْ أُعْبَدَ مِنْ حَيْثُ أُرِيدُ لَا مِنْ حَيْثُ تُرِيدُ». (قمی، ۱۴۰۴: ۴۲/۱) همین امر او را از درگاه خداوند دور نمود. از آن به بعد ابلیس همت جدی بر پیاده نمودن سنت اولیه خود در ابتدای خلقت در بین دیگر مخلوقین نمود و بر آن قسم یاد کرد (ص/۸۲) تا ایشان را ولو با عبادت بسیار و روزه و صدقه و... از ولایت امامی که دعوت به حق می‌کند باز دارد (طبری، ۱۳۸۳: ۲۸/۲).

ولایت اهل بیت علیهم‌السلام نیز که از سنخ همین ولایت است مورد توجه خاص ابلیس است. لذا از برجسته و دشوارترین امتحانات الهی خواهد شد. ولایت اهل بیت علیهم‌السلام از جمله مهمترین معارفی است که متون امامیه به آن تأکید وافر نموده‌اند. به طوری که از آن، تعبیر به صعب و مستصعب شده است (صفار، ۱۴۰۴: ۲۶/۱). امتحانی سخت برای همه مخلوقین از ملائکه (صفار، ۱۴۰۴: ۶۷/۱) و جن (صفار، ۱۴۰۴: ۹۶/۱) و انس (صفار، ۱۴۰۴: ۳۵/۱)، و برای همه زمان‌ها از اول خلقت و عالم میثاق و ذر تا دوران انبیا (صفار، ۱۴۰۴: ۷۲/۱-۷۳) (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۳۶/۱) (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶/۲۶۷)، و پس از آن تاقیامت (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۸/۸). به گونه‌ای که برخی از انبیا (صفار، ۱۴۰۴: ۶۷/۱، ۷۵) (صدوق، ۱۴۰۳: ۱۰۹) و ملائکه (صفار، ۱۴۰۴: ۶۸/۱) نیز در این امتحان دچار تزلزل شدند. اهمیت این امتحان به قدری است که بسیاری از گزاره‌های وارد شده در متون امامیه ناظر بر تبیین و روشن نمودن اهمیت آن است و اعمال دیگر با این محک سنجیده می‌شود. اگر بنده‌ای در پذیرش امامت امامی که از جلنب خداوند است کوتاهی نماید، گمراه خوانده شده و اگر بر همان حال بمیرد، مرگش مرگ کفر و نفاق است و هیچ عمل خیری از او پذیرفته نمی‌شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۷۵/۱)، بلکه عمل در ظاهر خیر او، به مثابه عمل شر قرار داده می‌شود و عاقبتش جهنم خواهد بود (صدوق، ۱۴۰۶: ۲۱۱).

#### ۴. اهداف امامت نزد اهل سنت

در بحث امامت اگر چه برخی از اهل سنت هدف آن را تماماً همانند نبوت می‌دانند (محرابی، ۱۴۲۲: ۵۲۹/۱-۵۳۰) اما با دقت در عبارات اکثر متکلمان ایشان، روشن می‌شود که مفهوم و مقام امامت در باور اهل سنت مقامی اجرایی و برای رفع احتیاجات دنیوی است. برای اثبات این موضوع می‌توان به وظائفی که برای امام ترسیم می‌کنند و آن چه در ضرورت امام به آن سخن می‌رانند استدلال نمود. توجه به مطالب مذکور در این بخش از کتب ایشان، جنبه دنیوی بودن شئون امامت را در باور

اهل سنت بیش از پیش روشن می‌نمایاند.

ابن تیمیه تمام امامت را ادای املنت در ولایت و حقوق رعیت و حکم به عدالت می‌دلند (ابن تیمیه، بی تا، ۶). قاضی عبدالجبار معتزلی نقش امام را در اجرای احکام شرعی مثل اقامه حدود و حفظ مرزها و آمادگی و مدیریت سپاه و جنگ‌ها می‌داند (عبدالجبار، ۱۴۲۲: ۵۰۹). اگر چه موارد مذکور از وظائف امام است، اما همه اینها به اداره امور دنیا باز می‌گردد، لذا تصریح می‌کند که شأن امام شناخت شریعت نیست و از این جهت به آن احتیاج نیست (عبدالجبار، ۱۴۲۲: ۵۰۹). از این رو نگرش اهل سنت به امامت، نگرشی کاملاً حداقلی است.

بدین ترتیب نقش و رسالت امامت نزد این باورمندان از اهل سنت، به تدبیر امور معیشتی امت محدود می‌شود و امام در بسیاری از شئون و مسائل دیگر، فاقد نقش خواهد بود. این دیدگاه در تفسیر منزلت و نقش امامت در جامعه دینی را، می‌توان دیدگاه دنیاگرایانه نامید که رسالت امام را به امور صرفاً این جهانی، محدود و محصور می‌کند. به همین جهت غالب اهل سنت، وجهی از شئون امامت را که امامت بر امور دنیا باشد را به جای همه رسالت و هویت آن می‌نهند و امامت را به امری فروتر از آن، تقلیل می‌دهند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۶۶-۶۷)

#### د. هدایت جامع اهداف خلقت، نبوت و امامت

آیات بسیاری در قرآن به امر هدایت اشاره نموده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۲/۵) در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام رستگاری، نجات، افضل طریق و بهترین دارایی ها، هدایت معرفی شده و خطر نقطه مقابل هدایت، به قدری است که حتی قرار گرفتن در مسیری که ترس از ضلالت در آن وجود دارد نهی شده است (تیمی، ۱۴۱۰: ۹۴-۹۶).

امر هدایت به قدری خطیر است که روزانه حداقل ده مرتبه از خداوند در نمازهای یومیه تقاضای آن می‌شود (فاتحه: ۶). رسول خدا صلی الله علیه و آله هدایت یک نفر را افضل از آنچه خورشید بر آن طلوع نماید می‌دانند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۶/۵) و حضرت زهرا علیها السلام اجری بس عظیم و شگفت آور را برای راهنمایان دینی مردم، بیان می‌دارند (امام حسن عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹: ۳۴۰). مدح و اجر بسیار در رسای علمای دین که در مسیر هدایت امت و حفظ ایشان از گمراهی قدم بر می‌دارند، بر هر آشنای به روایات اهل بیت علیهم السلام آشکار و هویدا است.

پس از روشن شدن اهمیت هدایت، دقت در اهداف بیان شده در مباحث پیشین، روشن می‌سازد که همگی در راستای هدایت مخلوقین است. معرفت، تبعیت از فرستادگان الهی، تکالیف الهی و



امتحان مخلوقین به طاعت و تسلیم، جملگی در راستای هدایت بندگان به کمال و مواهب الهی، و راهی جهت اثبات دریافت و لیاقت آن مواهب است. امام باقر علیه السلام «معرفت»، «ایمان و اطاعت به پیامبران»، «عبادت» و «امتحانات الهی» را، برای رسیدن به بهشت بیان می‌نماید (کلینی، ۱۴۰۷: ۹/۲)، همان‌طور که امیرالمؤمنین علیه السلام بهشت (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۶۶/۸)، آخرت (صدوق، ۱۳۷۶: ۱۱۰) و هم درجه شدن با شهدا و انبیا (ثقفی، ۱۴۱۰: ۹۲/۱) را هدف خلقت معرفی می‌کند. در حقیقت همه آنها هدایت بندگان به تنعم از نعمات ابدی است. قرآن نیز هدف خلقت را رحمت خداوند معرفی می‌کند (هود: ۱۱۷-۱۱۸). بدین ترتیب بعثت انبیا وسیله تحقق هدایت و جلوگیری از ضلالت و انحراف است (آل عمران: ۱۶۴).

بعد ایشان نیز بنابر قاعده عدم انقضاء آیات قرآن (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۹۲/۱)، همچنان وجود کسی که تعلیم قرآن دهد و تزکیه امت را بر عهده گیرد و از ضلالت جلوگیری نماید لازم است. امام باقر علیه السلام جریان تدوام در آیه فوق را (آل عمران: ۱۶۴) با تعبیر «فهذه الآية لآل محمد» (قمی، ۱۴۰۴: ۱۲۲/۱) تبیین می‌نمایند. مضافاً بر این، روایات متعدد تصریح بر هادی بودن اهل بیت علیهم السلام دارد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۳/۲۴). امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (اعراف: ۱۸۱) می‌فرمایند: هم الأئمة (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۱۴/۱). از این رو هدایت، پس از نبوت نیز جریان دارد. نکته قابل توجه در ادامه آن است که هدایتگری صرفاً اثباتی نیست. بلکه جنبه نفی هدایتگری در غیر اهل بیت علیهم السلام نیز متعدد در روایات تأکید شده است. امام صادق علیه السلام ذیل آیه «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (انبیا: ۷۳) ضمن تأکید بر نزول آیه در شأن اهل بیت علیهم السلام، از امامت غیر ایشان تعبیر به ائمه ضلالت می‌نماید (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳/۸). خداوند می‌فرماید: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يَتَّبِعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (یونس: ۳۵) امام رضا علیه السلام در راستای معنای آیه می‌فرماید: خداوند بر بندگان اطاعت کسی را که می‌داند ایشان را گمراه می‌کند و از جاده حق منحرف می‌گرداند واجب نمی‌کند و او را از برای رسانیدن احکام خود به بندگان اختیار نمی‌کند و از بندگان خود کسی را که می‌داند به او و به پرستش او کافر خواهد شد و بندگی شیطان را می‌کند نه بندگی او را برگزیده نمی‌کند (صدوق، ۱۳۷۸: ۱۲۵/۲).

پس لازمه ولایت و خلافت از جانب خداوند و پیامبرش، هدایت بندگان به سوی سعادت و کمال خواهد بود. لذا خداوند در آیه ولایت (مائده/۵۵)، و اولی الامر (نساء/۵۹)، ولایت و طاعت رسول و اولی الامر را در راستای ولایت و طاعت خود قرار می‌دهد. یعنی پذیرش ولایت و طاعت پیامبر خاتم و اولی الامر -طبق کلام امام رضا علیه السلام- ثمره اش هدایت خواهد بود و تسمیه خلیفه خداوند و پیامبر بر

هر کس، تلازم با جایگاه هدایتی آن شخص خواهد داشت. با توجه به این مطالب، به اقوال اهل سنت در مسأله هدایت در اهداف می‌پردازیم. اهل سنت در هدف هدایت در خلقت طرفدارانی همچون زمخشری (۱۴۰۷: ۴۳۸/۲)، فخر رازی (۱۹۸۶ م: ۴۱۱/۱۸)، بغوی (۱۴۲۰: ۴۷۲/۲)، فراء (۱۹۵۵: ۳۱/۲) و آلوسی (۱۴۱۵: ۳۵۷/۶) دارد. در هدف هدایت در بعثت نیز فخر رازی آن را قطعی و اینگونه به آن تصریح نموده است: «ذکرنا مراراً أنّ شغل الأنبياء منحصر في أمرين: عبادة الله و هداية الخلق» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۹۲/۲۸). زجاج (۱۴۰۸: ۱۹۷/۳)، ابن جوزی (۱۴۲۲: ۵۹۹/۲)، ابوحیان اندلسی (۱۴۲۰: ۵۲۸/۶)، طبری (۴۲۰: ۶۲۳/۳) و سیوطی (بی تا، ۵۸۲/۱) نیز به بیانی به آن اشاره نموده‌اند. اما تکلیف هدایت را پس از انبیا و اگذار به قرآن و سنت تحریف شده پیامبر نموده‌اند. این در حالی است که گذر در تاریخ، عدم کفایت این دو، در تحقق هدایت در جامعه اسلامی و شدت وجود اختلاف در آن را، به وضوح فریاد می‌زند. اختلافی که منجر به فرقه‌های متعددی گردیده که شخص رسول خاتم ﷺ پیش از آن فرمودند: «ستفترق أمتی على ثلاث و سبعین فرقة، فرقة منها ناجية و الباقی فی النار» (نیشابوری، ۱۴۱۱: ۴۷۷/۴). و شخص ایشان راه‌هایی از آتش و ضلالت و هلاکت را در حدیث سفینه و ثقلین بیان فرمودند که همان امامت اهل بیت ﷺ است.

### اثر بخشی اهداف، در حوزه امامت پژوهی

باور امتداد جریان نبوت در امامت و ثابت دانستن همان اهداف در آن، تأثیر شگرفی در همه حوزه‌های امامت پژوهی خواهد داشت. مباحث مطرح در حوزه امامت پژوهی، مفهوم‌شناسی امامت، ضرورت وجود امام، اصل باوری امامت، شرائط و وظائف امام است که بحث همسویی اهداف در تمام این مباحث اثر گذار خواهد بود.

#### ۱. مفهوم امامت

در مفهوم امامت، آنچه متکلمان فریقین از آن یاد میکنند تعریف پیش رو با تفاوت‌هایی جزئی است: «الإمامة رئاسة عامة لشخص من الأشخاص في أمور الدين و الدنيا نيابة عن النبي» (تفتازانی، ۱۴۰۷: ۲۳۲).

اگرچه امر دین و دنیا، در تعریف لحاظ شده است، اما هریک از متکلمان در نظامی که از امامت ارلنه می‌دهند، بیان متفاوتی از این نقش دارند. دینی که در تعریف اهل سنت وجود دارد با بیانی که در «اهداف امامت در اهل سنت» گذشت، احکامی است که سامان دنیا و نظام اجتماعی را تأمین کند.



همین امر نیز مورد توجه متکلمان امامیه نیز قرار گرفته است، اما با توجه به دیگر حیثیت‌های امامت که مربوط به امور هدایتی است. این نگرش، بازگشت به باور همسویی اهداف خلقت، نبوت و امامت و همچنین اهمیت عنصر هدایت در جایگاه امامت دارد. با این نوع نگرش، خلافت و جانشینی از پیامبر که در تعریف بدان تأکید شده است نمیتواند حوزه گسترده مد نظر اهل سنت را دارا باشد؛ زیرا دوام و حفظ اهداف نبوت - که وسیله تحقق اهداف خلقت است - در وجود خلیفه خواهد بود. و بدیهی است خلیفه‌ای که اندیشمندان اهل سنت در نظام امامتی ارائه میکنند یارای این خلافت را ندارد.

## ۲. ضرورت و اصل باوری امامت

برخی از متکلمان، اهل‌ای که در ضرورت نبوت مطرح میکنند را قابل طرح در ضرورت امامت میدانند. (غزالی، ۱۴۰۹: ۱۴۷)، (فخر رازی، ۱۹۸۶ م: ۲/۲۵۵)، (ایجی، ۱۳۲۵: ۸/۳۴۴)، (تفتازانی، ۱۴۰۷: ۹۶). اما آنچه مورد اهتمام اکثر متکلمان در ضرورت امامت است، لزوم وجود امامی، جهت برقراری جامعه‌ای نظام مند، بدون در نظر گرفتن جایگاه هدایتی ایشان است. اگر چه امور اجتماعی بخشی از وجه ضرورت امامت است، اما نگاه الهی به حقیقت خلقت و توجه به اهداف آن، ضرورت جایگاه خطیر امامت در تحقق این هدف و لزوم تأکید بر این امر در تبیین ضرورت امامت توسط متکلمان را، روشن می‌گرداند. زیرا بدون این بیان، گویی پس از نبوت، خداوند حکیم، اهداف خلقت و تلاش هزاران نبی را به‌دست تقدیر سپرد.

از اصول دین دانستن نبوت، توسط متکلمان اهل سنت ثابت است. اگر امامت تداوم جریان نبوت باشد، اصل باوری امامت نیز به همان بیان در نبوت، قابل طرح است. زیرا مناط اصلی در فرع انگاری امامت در نگاه اهل سنت، به‌دست مردم بودن این انتخاب است. این در حالی است که متکلمان امامیه، ادله متعدد نقلی و عقلی را در اثبات مسأله اصطفا، و به‌دست مردم نبودن امر امامت ارائه کرده‌اند. ضمن آنکه همسویی بیان شده در اهداف، نظریه امامیه در اصطفا را تقویت نموده و اصل باوری را مستحکم می‌نماید.

## ۳. شروط امامت

اهل سنت در شروط امامت قائل به علم حداقلی و وجود مشاورانی در امر امامت (تفتازانی، ۱۴۰۹: ۵/۲۴۴) و کفایت عدالت (ایجی، ۱۳۲۵: ۸/۳۵۰؛ تفتازانی، ۱۴۰۹: ۵/۲۴۴) هستند و نصب ایشان را به‌دست مردم می‌دانند (تفتازانی، ۱۴۰۹: ۵/۲۳۵)؛ زیرا امامی که متصدی امور حکومت است به بیش از این میزان نیازی ندارد. اما باور هدایتگری در امامت، شروطی متفاوت از این باور را تثبیت خواهد کرد. امامیه شروطی چون علم ویژه، عصمت، اصطفا را برای امام شرط میدانند. همان‌طور که

این شروط برای تحقق هدایتگری انبیا، توسط اهل سنت مطرح می‌گردد (تفتازانی، ۱۴۰۹: ۵۰/۵). در ضرورت علم امام، توسط اهل کلام از امامیه، به ادله‌ای تمسک شده است که با توجه به جایگاه هدایتی ایشان است. قبیح دانستن جهل امام به دین، عدم امکان اجرای دین (حلبی، ۱۴۰۴: ۱۷۰)، عدم حفظ شریعت، عدم حجیت امام، مسدود شدن تنها راه دستیابی به دین در صورت جهل امام (طوسی، ۱۴۰۶: ۳۱۲)، همگی به دلیل توجه به جایگاه نیابت از پیامبر و تبیین گری امام از دین، و در نتیجه ادامه جریان نبوت دانستن امامت در وظیفه هدایتگری است.

اگر چنین نگرشی نباشد باور علم به همه امور برای امام، جهالت خوانده خواهد شد. (تفتازانی، ۱۴۰۹: ۲۴۶/۵) نگرش به حقیقت امامت است که شرائط امامت و گستره هر یک از آنها را روشن می‌نمایاند. از این رو تفکیک امامت از جایگاه نبوت و هدایت، و تقلیل آن به امور دنیا و اداره امت، سبب می‌شود که عدم علم حکام، و ائمه اهل سنت به احکام و قرآن، خللی به جایگاه امامت ایشان وارد نکند. (امینی، ۱۴۱۶: ۹۷/۷)

این در حالی است که نگاه اینگونه به امامت در کلام امام رضا علیه السلام، جهالت و فریب خوانده شده است. ایشان امامت را همان منزلت انبیا می‌دانند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۹۹/۱) بلکه با استناد به قرآن، امامت را مرتبه‌ای بالاتر از نبوت و رسالت می‌خوانند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۹۹/۱) امامت اگر به حقیقت آن توجه گردد، علمی بسیار فراتر از علم خلفا و علما را می‌طلبد. به گونه‌ای که حضرتش، با استناد به آیات (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۰۲/۱) امام را «اعلم الناس» معرفی می‌فرمایند. (صدوق، ۱۴۱۳: ۴۱/۴)

نگرش هدایتی به جایگاه امامت است که لزوم علم خاص برای ایشان را ثابت می‌کند. به گونه‌ای که در باور شیعیان نخستین نیز، علم راهی برای شناخت امام تلقی می‌شده است. مؤمن طاق و هشام بن سالم - که از اکابر اصحاب امام صادق علیه السلام هستند - نادرستی امامت عبدالله افطح پس از امام صادق علیه السلام را، از فقدان علم ایشان دریافتند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵۱/۱) این گزارش و امثال این گزارشات، (صدوق، ۱۳۷۸: ۲۱۹/۲) نقش علم امام در وصول بندگان به امام را روشن می‌نماید.

در عصمت نیز همینگونه است. اگر چنین نگرشی نباشد و نگاه به مقام امامت، صرفاً جهت حکومت و اداره مسائل دنیا باشد، نگاه حداقلی به عملکرد امام در تطابق با اوامر الهی، و قبول عدالت ظاهری، و حتی تقلیل قول به عدم عدالت نیز ضربه‌ای به جایگاه امامت وارد نخواهد نمود، همان‌طور که اهل سنت بر این روش هستند.

اما در باور امامیه جایگاه امام، خلیفه پیامبر و ادامه دهنده راه هدایتی ایشان است. از همین رو به همان دلالتی که لازم است انبیا معصوم باشند عصمت ایشان نیز لازم است. هشام در پاسخ به سؤال از





حقیقت عصمت می‌گوید: از امام صادق علیه السلام همین سؤال را پرسیدم و فرمود: «او به یاری و توفیق خدا از انجام هر عملی که خداوند منع کرده است خودداری می‌کند، و خداوند تبارک و تعالی فرموده: ﴿وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (آل عمران: ۱۰۱) (صدوق، ۱۴۰۳: ۱۳۲). در واقع گزاره امام صادق علیه السلام حقیقت عصمت را با موضوع هدایت گره می‌زند.

اکثر متکلمان امامیه نیز از این سیر در جهت اثبات لزوم عصمت امام، بهره برده‌اند. علامه مجلسی (۱۴۰۳: ۲۱۱/۲۵)، مرحوم شفتی (۱۴۱۱: ۳۶۵)، علامه بیاضی (۱۳۸۴: ۱۳۵/۱) و آیت الله سبحانی (بی تا، ۳۹۱) خاصاً بر موضوع هدایت در اثبات عصمت تأکید نموده‌اند.

در اصطفا نیز کلام بر همین منوال است. اگر باور هدایتی به مقام امامت نبود و این جایگاه صرفاً یک منصب دنیایی بود، دیگر کلامی از انتصاب الهی مطرح نخواهد شد، قهر و غلبه هر شخص، برای تصاحب جایگاه حکومت، ولو زنا کار و شراب خوار مانند یزید و ولید، (عسکری، ۱۳۸۲: ۴۰۱/۱) و حتی کسی که حاضر است فرزند و برادر (۱۳۷۸: ۹۱/۱ و ۲۰۹/۲) خود را به خاطر حکومت بکشد نیز آسیمی به امامت او نمی‌زند، و در خواندنش به‌عنوان خلیفه پیامبر و خلیفه مسلمین ابایی نمی‌شود. (ایجی، ۱۳۲۵: ۳۵۱/۸) (تفتازانی، ۱۴۰۹: ۲۵۳/۵)

اما در باور امامیه، تنها راه رسیدن به مقام امامت، انتصاب از جانب خداوند متعال است. زیرا امامت ادامه راه نبوت است و نبوت به جهت رسیدن به هدف هدایتش، نیاز به علم و عصمت دارد و هیچ کس جز خداوند متعال، حتی به اعتراف اهل سنت (تفتازانی، ۱۴۰۹: ۲۴۴/۵-۲۴۸) قادر به شناسایی شخص معصوم و عالم و افضل در این منصب نیست و بشر ممکن است در انتخاب به اشتباه رود. از این رو طریقه معرفی ادامه دهنده راه انبیا نیز همانند انبیا خواهد بود. اصطفای سنتی است در همه انبیا از حضرت آدم تا به حضرت خاتم که توسط هیچ یک از ایشان تخلف نشده است. (دیلمی، ۱۴۱۲: ۳۰۰/۲) امام زمان (عج) صرف احتمال اشتباه، در انتخاب در مصداق امام را، به جهت احتمال ضرری که به مسأله مهم هدایت خواهد رسید، دلیل عدم جواز انتخاب امام به دست مردم خوانده‌اند و با استناد به قرآن، احتمال خطا حتی در عاقل ترین افراد در انتخاب را ممکن می‌دانند. (صدوق، ۱۳۹۵: ۴۶۱/۲). بنابر این شناساندن کسی که هم عالم به همه زوایای لازم، جهت مقام امامت باشد و هم دارای عصمت مطلق و همچنین افضل از همه افراد بشر باشد، بر عهده خداوند است. (صدوق، ۱۴۰۳: ۴۴). زیرا با وصفی که از اهمیت هدایت گذشت و نهادن آن در اهداف خلقت و بعثت، عدم قرار دادن کسی که این مسیر را در پی انبیا هموار کند، در حقیقت ضایع نمودن هدف خلقت و بعثت

است که از خداوند حکیم سر نخواهد زد.

با این نگرش، وظائف امام نیز محدود به اداره امور دنیوی و حفظ نظام مسلمین نخواهد شد (تفتازانی، ۱۴۰۹ق: ۲۳۵/۵) و امر هدایت، بیان شریعت، جلوگیری از بدعت و انحراف دین و امثال آن در حیطه وظائف امام قرار خواهد گرفت.

## نتیجه گیری

نتیجه این نوشتار بر آن است که خواستگاه اختلافات بسیاری در مسأله امامت، در تفاوت نگرش به جایگاه و اهداف امامت است که به دنبال آن، نگرش در حیطه های مختلف از منظومه امامت اعم از مفهوم، ضرورت، شروط و... متغیر خواهد بود. نگرش اول جایگاهی دنیوی و متصدی اداره امور آن را، از امامت ترسیم میکند و نگرش دوم جایگاهی بسیار فراتر از امور دنیا، و عامل تحقق اهداف خلقت و تداوم اهداف نبوت - یعنی هدایت - را برای امام ثبوت میدلند. بدیهی است ثمره این دو نگرش تفاوت روشنی را در دیگر حوزه های امامت پژوهی ایجاد نماید. از این رو در این نگاشته سعی شد نگرش صحیح بیش از پیش روشن گردد.

از دیگر نتایج مهم این نوشتار، معرفی قالبی جهت ورود به مباحث کلامی است. توجه به ساختار به هم پیوسته مجموعه مباحث کلامی بسیار حائز اهمیت است. در این نوشتار در ابتدا اهداف خلقت، که ریشه در مباحث توحیدی، و ارتباط ویژه ای با حکمت خداوند متعال دارد تبیین گردید. سپس به اهداف نبوت که مرتبط به مباحث نبوت است پرداخته شد. در ادامه سخن از اهداف امامت به میان آمد. ایجاد ارتباط اینچنینی در مباحث مختلف کلامی همچون توحید و نبوت و امامت و استفاده از قالب نگرش پیوسته بودن مباحث کلامی، علاوه بر اینکه میتواند تبیین مناسب تری از مسائل هر یک از مباحث، در اختیار محققان قرار دهد، میتوانند نگرش جدیدی را در حل معضلات و اختلافات، فراروی اهل تحقیق قرار دهد. در این نوشتار نیز این قالب نگرشی، علاوه بر اینکه تبیین جدیدی در حوزه امامت پژوهی ایجاد نمود، جلوه ای از حکمت الهی را نیز واضح ساخت. به این بیان که خداوند متعال از ابتدا تا انتهای خلقت، جهت تحقق هدفی که برای خلقت در نظر گرفته است تدبیر نموده است. این روش، اگر چه در مباحث متعدد، مورد توجه اندیشمندان کلامی قرار گرفته است، اما ظرفیت فزون تری در تبیین مباحث کلامی، در این روش، وجود دارد.



## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الأمالی، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، التوحید، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، چاپ دوم، قم: دارالشریف الرضی، ۱۴۰۶ق.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، علل الشرائع، قم: کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵ش.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ش.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، معانی الأخبار، علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۸. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۹. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۱۰. ابن طاووس، علی بن موسی، کشف المحجّة لثمره المهجّة، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۵ش.
۱۱. ابن عربی، محمد، المحصول، سعید فوده، عمان: دارالبیارق، ۱۴۲۰ق.
۱۲. ابوالفداء، عمر بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، محمد حسین شمس الدین، بیروت: دارالکتب، ۱۴۱۹ق.
۱۳. امام حسن عسکری علیه السلام، التفسیر المنسوب للإمام الحسن العسکری علیه السلام، قم: مدرسة الإمام المهدي علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۴. اندلسی، ابو حیان، البحر المحیط فی التفسیر، محمد جمیل صدقی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۱۵. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۱۶. ایجی، میر سید شریف، شرح المواقف، چاپ قم: افست، ۱۳۲۵ق.
۱۷. امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الكتاب و السنة و الادب بیروت، قم: مرکز الغدیر، ۱۴۱۶ق.
۱۸. بخاری، محمد، الصحيح، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.

١٩. برقي، احمد بن محمد، المحاسن، چاپ دوم، قم: دارالكتب، ١٣٧١ ش.
٢٠. بغوي، حسين بن مسعود، معالم التنزيل في تفسير القرآن، بيروت: داراحياء التراث، ١٤٢٠ ق.
٢١. البكري الصديقي، محمد علي بن محمد، دليل الفالحين لطرق رياض الصالحين، چاپ چهارم، بيروت: دارالمعرفة، ١٤٢٥ ق.
٢٢. بياضي، علي بن يوسف، الصراط المستقيم إلى مستحقي التقديم، تهران: قاهره، المكتبة المرتضوية، ١٣٨٤ ش.
٢٣. تفتازاني، سعدالدين، شرح العقائد النسفيه، مصر: مكتبة الكليات الازهرية، ١٤٠٧ ق.
٢٤. تفتازاني، سعدالدين، شرح المقاصد، عبدالرحمن عميرة، قم: منشورات الشريف الرضي، ١٤٠٩ ق.
٢٥. تميمي آمدي، عبدالواحد، غرر الحكم و درر الكلم، چاپ دوم، قم: دارالكتب الاسلامي، ١٤١٠ ق.
٢٦. ثعالبی، عبدالرحمن، جواهرالحسان في تفسير القرآن، محمد علي معوض، بيروت: دار احيا تراث عربي، ١٤٢٠ ق.
٢٧. ثعلبي، احمد، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، بيروت: دار احيا تراث عربي، ١٤٢٢ ق.
٢٨. ثقفی، ابراهيم بن محمد، الغارات، عبدالزهراء حسيني، قم: دارالكتاب الإسلامي، ١٤١٠ ق.
٢٩. جمعی از نویسندگان، امامت پژوهی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ١٣٨١ ش.
٣٠. جوزی، علي بن محمد، زاد المسير في علم التفسير، بيروت: دارالكتب، ١٤٢٢ ق.
٣١. حر عاملی، محمد بن حسن، الفصول المهمة في أصول الأئمة، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا عليه السلام، ١٣٧٦ ش.
٣٢. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ١٤٠٩ ق.
٣٣. حرانی، ابن تيميه، السياسة الشرعية في اصلاح الراعي و الرعية، عربستان: دار عالم، بی تا.
٣٤. حلبی، ابوالصلاح، تقی بن نجم، تقریب المعارف، قم: الهادي، ١٤٠٤ ق.
٣٥. حلّی، حسن بن يوسف (علامة حلّی)، كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد، جعفر سبحانی، چاپ دوم، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ١٣٨٢ ش.
٣٦. ديلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم: الشريف الرضي، ١٤١٢ ق.
٣٧. دينوری، مسلم بن قتيبه، غريب القرآن، احمد صقر، بيروت: دارالكتب، ١٣٩٨ ق.



۳۸. ذهبی، شمس الدین، العلو للعلی الغفار، ریاض: انتشارات مكتبة أضواء السلف، ۱۴۱۶ق.
۳۹. رازی، ابن ابی حاتم، تفسیر ابن ابی حاتم، اسعد محمد طیب، چاپ سوم، عربستان: مكتبة نزار مصطفی، ۱۴۱۹ق.
۴۰. رازی، فخرالدین، الأربعین فی أصول الدین، قاهره: مكتبة الكليات الازهریه، ۱۹۸۶م.
۴۱. رازی، فخرالدین، الأربعین فی أصول الدی، ن مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۴۲. ذاوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسه امام مهدی، ۱۴۰۹ق.
۴۳. زجاج، ابراهیم، معانی القرآن و اعرابه، بیروت: انتشارات عالم الکتب، ۱۴۰۸ق.
۴۴. زمخشری محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
۴۵. سبحانی، جعفر، الأضواء علی عقائد الشیعة الإمامیه، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، بی تا.
۴۶. سمرقندی، نصر بن محمد، بحرالعلوم، بی تا، بی جا، بی تا.
۴۷. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۴۸. سید بن طاووس، علی بن موسی، کشف المحجّه لثمره المهجّه، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۵ش.
۴۹. سید مرتضی (علم الهدی)، علی بن الحسین، الذخیره فی علم الکلام، سید احمد حسینی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۱ق.
۵۰. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۵۱. سیوطی، جلال الدین، صون المنطق و الکلام عن فنی المنطق و الکلام، علی سامی النشار، قاهره: مجمع البحوث الاسلامیه، بی تا.
۵۲. شفتی، سید اسد الله، الإمامه، اصفهان: مكتبة حجة الإسلام الشفتی، ۱۴۱۱ق.
۵۳. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، چاپ دوم، قم: مكتبة آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۵۴. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۵۵. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، چاپ دوم، نجف: المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۵ق.
۵۶. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، احمد محمد شاکر، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۲۰ق.

٥٧. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، بشارة المصطفی لشبعة المرتضى، نجف: المكتبة الحيدرية، ١٣٨٣ق.
٥٨. طنطاوى، محمد، التفسير الوسيط للقرآن الكريم، مصر: دار نهضة، ١٩٩٧م.
٥٩. عبدالجبار، شرح الأصول الخمسة، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٢٢ق.
٦٠. عبدالعزيز بن باز، بيان التوحيد الذى بعث الله به الرسل جميعا وبعث به خاتمهم محمدا ﷺ عربستان: رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء، ١٤١٧ق.
٦١. عسكرى، سيد مرتضى، نقش ائمه در احياى دين، تهران: مركز فرهنگى انتشارات منير، ١٣٨٢ش.
٦٢. عياشى، محمد بن مسعود، تفسير العياشى، تهران: المطبعة العلمية، ١٣٨٠ق.
٦٣. غزالى، ابوحامد، الاقتصاد فى الاعتقاد، بيروت: دارالكتب، ١٤٠٩ق.
٦٤. فاضل مقداد، الأنوار الجلالية فى شرح الفصول النصيرية، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ١٤٢٠ق.
٦٥. فراء، يحيى بن زياد، معانى القرآن، مصر: دارالمصريه، ١٩٩٥م.
٦٦. فيض كاشانى، محمد محسن، تفسير الصافى، حسين، چاپ دوم، تهران: مكتبه الصدر، ١٤١٥ق.
٦٧. قمى، على بن ابراهيم، تفسير القمى، چاپ سوم، قم: دارالكتاب، ١٤٠٤ق.
٦٨. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، چاپ چهارم، تهران: دارالكتب الإسلامية، ١٤٠٧ق.
٦٩. لكهنوى، مير حامد حسين، عبقات الأنوار فى إمامة الأئمة الأطهار، قم: ناشر غلامرضا بروجردى، ١٤٠٤ق.
٧٠. ماتريدى، ابو منصور، تأويلات أهل السنة، مجدى باسلوم، بيروت: دارالكتب، ١٤٢٦ق.
٧١. مجلسى، محمد باقر، (علامه مجلسى)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، چاپ دوم، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٠٣ق.
٧٢. محاربى، ابن عطيه، المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، عبدالسلام عبدالشافى، بيروت: دارالكتب، ١٤٢٢ق.
٧٣. محاربى، ابن عطيه، أبهى المداد فى شرح مؤتمر علماء بغداد، بيروت: مؤسسة الأعلمى، ١٤٢٣ق.
٧٤. محمد بن أبى العز، شرح الطحاوية، مصر: دارالسلام، ١٤٢٦ق.



۷۵. محمد بن عبدالوهاب، الرسائل الشخصية، صالح بن فوزان، رياض: جامعة محمد بن سعود،  
بی تا.
۷۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محقق  
مؤسسة آل البيت، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۷۷. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار احیاء تراث  
عربی، ۱۴۲۳ق.
۷۸. مقرئ الرازی، ابوالفضل، أحادیث فی ذم الکلام وأهله، ناصر بن عبدالرحمن، ریاض: دار  
اطلس، بی تا.
۷۹. نصر بن مزاحم، وقعة صفین، چاپ دوم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۸۰. نراقی، مهدی، أنیس الموحدين، تهران: الزهراء، چاپ دوم، ۱۳۶۹ش.
۸۱. نعمانی، محمد ابن ابی زینب، الغيبة، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
۸۲. نیشابوری واحدی، علی بن احمد، تفسیر البسیط، عربستان: جامعة محمد بن سعود، ۱۴۳۰ق.
۸۳. نیشابوری، محمد بن عبدالله، مستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالکتب، ۱۴۱۱ق.
۸۴. هروی، ابواسماعیل، ذم الکلام وأهله، مدینه: مکتبه العلوم والحکم، ۱۴۱۸ق.

## Bibliography

1. *Quran-e Karim (The Holy Quran)*.
2. A Group of Authors, *Imamat Pazhuhi (Imamate Studies)*, Mashhad: Razavi University for Islamic Sciences, 1381 SH (2002 CE).
3. Abdul Aziz bin Baz, *Bayan al-Tawhid alladhi ba'atha Allahu bihi al-Rusula Jami'an wa ba'atha bihi Khatamahum Mohammanan (SAW) (Clarification of the Oneness with which Allah sent all the Messengers and sent the Seal of them, Mohammad)*, Saudi Arabia: Presidency of Scientific Research and Ifta, 1417 AH (1996 CE).
4. Abdul Jabbar, *Sharh al-Usul al-Khamsah (Explanation of the Five Principles)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1422 AH (2001 CE).
5. Abu al-Fida, Umar bin Kathir, *Tafsir al-Quran al-Azim (Exegesis of the Great Quran)*, Mohammad Hossein Shams al-Din, Beirut: Dar al-Kutub, 1419 AH (1998 CE).
6. Alusi, Seyyed Mahmoud, *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azim (The Spirit of Meanings in the Exegesis of the Great Quran)*, Ali Abdulbari Atiyyah, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1415 AH (1995 CE).
7. Amini, Abdul Hossein, *Al-Ghadir fi al-Kitab wa al-Sunnah wa al-Adab (Al-Ghadir in the Book, Sunnah, and Literature)*, Beirut: Markaz al-Ghadir, 1416 AH (1995 CE).
8. Andalusi, Abu Hayyan, *Al-Bahr al-Muhit fi Tafsir (The Vast Ocean in Exegesis)*, Mohammad Jameel Sedqi, Beirut: Dar al-Fikr, 1420 AH (1999 CE).
9. Askari, Seyyed Muradha, *Naqsh-e A'imma dar Ihya-ye Din (The Role of the Imams in the Revival of Religion)*, Tehran: Munir Cultural Center Publications, 1382 SH (2003 CE).
10. Ayyashi, Mohammad bin Mas'ud, *Tafsir al-Ayyashi*, Tehran: Al-Matba'ah al-'Ilmiyyah, 1380 AH (2001 CE).
11. Baghawi, Hossein bin Masud, *Ma'alim al-Tanzil fi Tafsir al-Quran (Signposts of Revelation in the Exegesis of the Quran)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath, 1420 AH (1999 CE).
12. Bakri al-Siddiqi, Mohammad Ali bin Mohammad, *Dalil al-Falihin li-Turuq Riyad al-Salihin (The Guide for the Successful on the Paths of the Gardens of the Righteous)*, 4th Edition, Beirut: Dar al-Ma'arif, 1425 AH (2004 CE).
13. Barqi, Ahmad bin Mohammad, *Al-Mahasin (The Traits)*, 2nd Edition, Qom: Dar al-Kutub, 1371 SH (1992 CE).
14. Bayadi, Ali bin Yusuf, *Al-Sirat al-Mustaqim ila Mustahiqi al-Taqdim (The Straight Path to the Worthy for Precedence)*, Tehran: Cairo, Al-Maktabah al-Murtadawiyah, 1384 SH (2005 CE).
15. Bukhari, Mohammad, *Al-Sahih*, Dar Tawq al-Najat, 1422 AH (2001 CE).
16. Dailami, Hassan bin Mohammad, *Irshad al-Qulub ila al-Sawab (Guidance of the Hearts to Righteousness)*, Qom: Al-Sharif al-Radhi, 1412 AH (1991 CE).
17. Dhahabi, Shams al-Din, *Al-Ulu lil-Ali al-Ghaffar (Exaltation for the Most High, the All-Forgiving)*, Riyadh: Maktabah Adwa al-Salaf Publications, 1416 AH (1996 CE).
18. Dinawari, Muslim bin Qutaybah, *Gharib al-Quran (The Strange Aspects of the Quran)*, Ahmad Saqar, Beirut: Dar al-Kutub, 1398 AH (1978 CE).
19. Fadel Miqdad, *Al-Anwar al-Jalaliyah fi Sharh al-Fusul al-Nosairiyah (The Splendid Lights in the Explanation of the Nosairi Sections)*, Mashhad: Majma' al-Buhuth al-Islamiyyah, 1420 AH (1999 CE).





20. Farra', Yahya bin Ziyad, *Ma'ani al-Quran (Meanings of the Quran)*, Egypt: Dar al-Misriyyah, 1995 CE.
21. Fayd Kashani, Mohammad Mahdi, *Tafsir al-Safi (The Purifier Exegesis)*, Hossein, 2nd Edition, Tehran: Maktabah al-Sadr, 1415 AH (1994 CE).
22. Ghazali, Abu Hamid, *Al-Iqtisad fi al-I'tiqad (Moderation in Belief)*, Beirut: Dar al-Kutub, 1409 AH (1989 CE).
23. Halabi, Abu al-Salah, Taqi bin Najm, *Taqrib al-Ma'arif (Facilitation of Knowledge)*, Qom: Al-Hadi, 1404 AH (1984 CE).
24. Harrani, Ibn Taymiyyah, *Al-Siyasah al-Shar'iyyah fi Islah al-Ra'i wa al-Ra'iyyah (The Legislative Politics in Reforming the Ruler and the Ruled)*, Saudi Arabia: Dar 'Alam, n.d.
25. Hilli, Hassan bin Yusuf (Allama Hilli), *Kashf al-Murad fi Sharh Tajrid al-I'tiqad (The Unveiling of the Desired in the Explanation of the Purity of Belief)*, Jafar Sobhani, 2nd Edition, Qom: Imam Sadiq (AS) Institute, 1382 SH (2003 CE).
26. Hirawi, Abu Ishaq, *Zam al-Kalam wa Ahlihi (The Condemnation of the Kalam and Its Proponents)*, Medina: Maktabah al-'Ulum wa al-Hikam, 1418 AH (1997 CE).
27. Hurr Amili, Mohammad bin Hassan, *Al-Fusul al-Muhimma fi Usul al-A'imma (Important Chapters on the Principles of the Imams)*, Qom: Imam Raza Ma'arif Islamic Research Institute, 1376 SH (1997 CE).
28. Hurr Amili, Mohammad bin Hassan, *Tafsil Wasa'il al-Shi'a Ila Tahqiq Masa'il al-Shari'a (The Comprehensive Means for the Shia in Investigating Jurisprudential Issues)*, Qom: Ale al-Bayt Institute, 1409 AH (1989 CE).
29. Ibn Arabi, Mohammad, *Al-Mahsul (The Harvest)*, Saeed Fodeh, Oman: Dar al-Bayariq, 1420 AH (1999 CE).
30. Ibn Babawayh (Sheikh Saduq), Mohammad bin Ali, *Al-Amali (The Dictations)*, 6th Edition, Tehran: Ketabchi, 1376 SH (1997 CE).
31. Ibn Babawayh, Mohammad bin Ali (Sheikh Saduq), *'Ilal al-Shara'i' (The Reasons for Legal Rulings)*, Qom: Davari Bookshop, 1385 SH (2006 CE).
32. Ibn Babawayh, Mohammad bin Ali (Sheikh Saduq), *'Uyun Akhbar al-Ridha (AS) (The Springs of the Narrations of Imam Ridha)*, Tehran: Jahan Press, 1378 SH (1999 CE).
33. Ibn Babawayh, Mohammad bin Ali (Sheikh Saduq), *Al-Tawhid (Monotheism)*, Qom: Seminary Teachers Association, 1398 AH (1978 CE).
34. Ibn Babawayh, Mohammad bin Ali (Sheikh Saduq), *Ma'ani al-Akhbar (The Meanings of the Narrations)*, Ali Akbar Ghaffari, Qom: Seminary Teachers Association, 1403 AH (1983 CE).
35. Ibn Babawayh, Mohammad bin Ali (Sheikh Saduq), *Man La Yahduruhu al-Faqih (One Who Does Not Have Access to a Jurisprudent)*, Ali Akbar Ghaffari, 2nd Edition, Qom: Seminary Teachers Association, 1413 AH (1992 CE).
36. Ibn Babawayh, Mohammad bin Ali (Sheikh Saduq), *Thawab al-A'mal wa 'Iqab al-A'mal (The Rewards of Deeds and the Punishment of Deeds)*, 2nd Edition, Qom: Dar al-Sharif al-Radhi, 1406 AH (1985 CE).
37. Ibn Shu'bah Harrani, Hassan bin Ali, *Tuhaf al-'Uqul (Gifts of the Intellects)*, 2nd Edition, Qom: Seminary Teachers Association, 1404 AH (1983 CE).
38. Ibn Tawus, Ali bin Musa, *Kashf al-Mahajjah li-Thamrah al-Mahajjah (The Unveiling of the Proof Concerning the Fruit of the Evidence)*, 2nd Edition, Qom: Bustan Ketab, 1375 SH (1996 CE).

39. Iji, Mir Seyyed Sharif, *Sharh al-Mawaqif*, Qom: Offset, 1325 AH (1907 CE).
40. Imam Hassan Askari (AS), *Al-Tafsir al-Mansub ila Imam al-Hassan al-Askari (AS) (The Exegesis Attributed to Imam Hassan al-Askari)*, Qom: Imam Mahdi Seminary School, 1409 AH (1989 CE).
41. Jawzi, Ali bin Mohammad, *Zad al-Masir fi 'Ilm al-Tafsir (Provisions for the Journey in the Science of Exegesis)*, Beirut: Dar al-Kutub, 1422 AH (2001 CE).
42. Kulayni, Mohammad bin Ya'qub, *Al-Kafi*, 4th Edition, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1407 AH (1987 CE).
43. Lakhnavi, Mir Hamid Hossein, *Abqat al-Anwar fi Imamah al-A'imma al-Athar (The Splendors of Light in the Imamate of the Pure Imams)*, Qom: Nashr-e Gholamreza Borujerdi, 1404 AH (1983 CE).
44. Majlisi, Mohammad Baqir (Allama Majlisi), *Bihar al-Anwar al-Jami'ah li Durar Akhbar al-A'imma al-Athar (The Seas of Lights; the A Collection of Pearls of Narrations of the Pure Imams)*, 2nd Edition, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1403 AH (1983 CE).
45. Maturidi, Abu Mansur, *Ta'wilat Ahl al-Sunnah (The Interpretations of Ahl Sunnat)*, Majdi Basloom, Beirut: Dar al-Kutub, 1426 AH (2005 CE).
46. Mohammad bin Abdul Wahhab, *Al-Rasa'il al-Shakhsiyyah*, Saleh bin Fawzan, Riyadh: Mohammad bin Saud University, n.d.
47. Mohammad bin Abi al-'Azz, *Sharh al-Tahawiyah*, Egypt: Dar al-Islam, 1426 AH (2005 CE).
48. Moharibi, Ibn Atiyyah, *Abha al-Midad fi Sharh Mu'tamar Ulama Baghdad*, Beirut: Mu'assasah al-A'lami, 1423 AH (2002 CE).
49. Moharibi, Ibn Atiyyah, *Al-Muharrar al-Wajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz (A Concise Work on the Exegesis of Holy Quran)*, Abdul Salam Abdul Shafi, Beirut: Dar al-Kutub, 1422 AH (2001 CE).
50. Moqatil bin Sulayman, *Tafsir Moqatil bin Sulayman*, Abdullah Mahmoud Shahatah, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1423 AH (2002 CE).
51. Mufid, Mohammad bin Mohammad bin Nu'man (Shaykh Mufid), *Al-Irshad fi Ma'rifah Hujaj Allah 'ala al-'Ibad (Guidance in Knowing the Proofs of Allah upon His Servants)*, Research Institute of the Ahl al-Bayt, Qom: Congress of Shaykh Mufid, 1413 AH (1992 CE).
52. Muqri al-Radhi, Abu al-Fadl, *Ahadith fi Zamm al-Kalam wa Ahlihi (Narrations on the Condemnation of the Kalam and Its Proponents)*, Nasser bin Abdul Rahman, Riyadh: Dar Atlas, n.d.
53. Naraqi, Mahdi, *Anis al-Muhibbin*, Tehran: al-Zahra, 2nd Edition, 1369 SH (1990 CE).
54. Nasr bin Muzahim, *Waqa'ah Siffin (The Siffin War)*, 2nd Edition, Qom: Ayatollah al-Mar'ashi al-Najafi Library, 1404 AH (1984 CE).
55. Neyshapuri Wahidi, Ali bin Ahmad, *Tafsir al-Basit (Simple Exegesis)*, Saudi Arabia: Mohammad bin Saud University, 1430 AH (2009 CE).
56. Neyshapuri, Mohammad bin Abdullah, *Mustadrak 'ala al-Sahihayn*, Beirut: Dar al-Kutub, 1411 AH (1990 CE).
57. No'mani, Mohammad bin Abi Zaynab, *Al-Ghaybah (The Occultation)*, Tehran: Saduq Press, 1397 AH (1977 CE).
58. Qomi, Ali bin Ibrahim, *Tafsir al-Qomi*, 3rd Edition, Qom: Dar al-Kitab, 1404 AH (1983 CE).



59. Radhi, Fakhr al-Din, *Al-Arba'in fi Usul al-Din (The Forty Points on the Principles of Religion)*, Cairo: Maktabah al-Kulliyat al-Azhariyyah, 1986 CE.
60. Radhi, Fakhr al-Din, *Ma'fatih al-Ghayb (Keys to the Unseen)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1420 AH (1999 CE).
61. Radhi, Ibn Abi Hatam, *Tafsir Ibn Abi Hatam*, Asa'd Mohammad Tayyib, 3rd Edition, Saudi Arabia: Maktabah Nazzar Mustafa, 1419 AH (1998 CE).
62. Rawandi, Qutb al-Din, *Al-Khara'ij wa al-Jaraih (The Taxations and the Fines)*, Qom: Imam Mahdi Institute, 1409 AH (1989 CE).
63. Saffar, Mohammad bin Hassan, *Basair al-Darajat fi Fada'il Al Mohammad (AS) (Insights into the Virtues of the Family of Mohammad)*, 2nd Edition, Qom: Ayatollah al-Mar'ashi al-Najafi Library, 1404 AH (1983 CE).
64. Samarqandi, Nasr bin Mohammad, *Bahr al-'Ulum (The Ocean of Sciences)*, N.p., n.p., n.d.
65. Seyyed bin Tawus, Ali bin Musa, *Kashf al-Mahajjah li-Thamrah al-Mahajjah (The Unveiling of the Proof Concerning the Fruit of the Evidence)*, Qom: Bustan Ketab, 1375 SH (1996 CE).
66. Seyyed Murtadha (Alam al-Huda), Ali bin al-Hosseini, *Al-Dhakhira fi 'Ilm al-Kalam (The Treasury in the Science of Theology)*, Seyyed Ahmad Hosseini, Qom: Mu'assasah al-Nashr al-Islami, 1411 AH (1991 CE).
67. Seyyed Radhi, Mohammad bin Hossein, *Nahj al-Balaghah (The Peak of Eloquence)*, Sobhi Salih, Qom: Hijrat, 1414 AH (1993 CE).
68. Shafti, Seyyed Asadullah, *Al-Imamah (Imamate)*, Isfahan: Maktabah Hujjat al-Islam al-Shafti, 1411 AH (1991 CE).
69. Sobhani, Ja'far, *Al-Adwa' 'ala 'Aqa'id al-Shi'a al-Imamiyyah (Lights on the Doctrines of the Imami Shi'a)*, Qom: Imam Sadiq (AS) Institute, n.d.
70. Suyuti, Jalal al-Din, *Al-Durr al-Manthur (The Scattered Pearls)*, Beirut: Dar al-Fikr, n.d.
71. Suyuti, Jalal al-Din, *Sawn al-Mantiq wa al-Kalam 'an Funay al-Mantiq wa al-Kalam (The Protection of Logic and Theology about the Techniques of Logic and Theology)*, Ali Sami al-Nashshar, Cairo: Majma' al-Buhuth al-Islamiyyah, n.d.
72. Tabari Amlī Saghiri, Mohammad bin Jarir bin Rustam, *Basharat al-Mustafa li-Shi'at al-Murtadha (The Glad Tidings of the Mohammad for the Followers of the Ali)*, Najaf: Al-Haidariyyah Press, 1383 AH (1963 CE).
73. Tabari, Mohammad bin Jarir, *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Comprehensive Exposition in the Interpretation of the Quran)*, Ahmad Mohammad Shakir, Beirut: Al-Risalah Institute, 1420 AH (1999 CE).
74. Tabarsi, Ahmad bin Ali, *Al-Ihtijaj 'ala Ahl al-Lujaj (The Argument against the Ignorant People)*, Mashhad: Murtadha Press, 1403 AH (1982 CE).
75. Tabarsi, Ali bin Hassan, *Mishkat al-Anwar fi Ghurar al-Akhbar (The Niche of Lights in the Jewels of Narrations)*, 2nd Edition, Najaf: Al-Haidariyyah Press, 1385 AH (1965 CE).
76. Taftazani, Sa'd al-Din, *Sharh al-'Aqa'id al-Nasafiyyah (Explanation of Nasafi's Theological Principles)*, Egypt: Maktabah al-Kulliyat al-Azhar, 1407 AH (1987 CE).
77. Taftazani, Sa'd al-Din, *Sharh al-Maqasid (Explanation of al-Maqasid)*, Abdul Rahman Umaira, Qom: Sharif al-Radhi Press, 1409 AH (1988 CE).
78. Tamimi Amadi, Abdul Wahid, *Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalam (Exalted Aphorisms and Pearls of Speech)*, 2nd Edition, Qom: Dar al-Kutub al-Islami, 1410 AH (1989 CE).

79. Tantawi, Mohammad, *Al-Tafsir al-Wasit li al-Quran al-Karim (The Medium Interpretation of the Noble Quran)*, Egypt: Dar Nahdah, 1997 CE.
80. Tha'labi, Abdul Rahman, *Jawahir al-Hassan fi Tafsir al-Quran (The Jewels of Excellence in the Exegesis of the Quran)*, Mohammad Ali Muawwad, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1420 AH (1999 CE).
81. Tha'labi, Ahmad, *Al-Kashf wa al-Bayan 'an Tafsir al-Quran (The Unveiling and Explanation of the Exegesis of the Quran)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1422 AH (2001 CE).
82. Thaqafi, Ibrahim bin Mohammad, *Al-Ghara'at (The Raids)*, Abdul Zahra Hosseini, Qom: Dar al-Kitab al-Islami, 1410 AH (1989 CE).
83. Zamakhshari, Mahmud, *Al-Kashshaf 'an Haqaiq Ghawamiz al-Tanzil (The Unveiling of the Realities of the Obscurities of Revelation)*, 3rd Edition, Beirut: Dar al-Ketab al-Arabi, 1407 AH (1987 CE).
84. Zujaj, Ibrahim, *Ma'ani al-Quran wa I'rabuh (The Meanings of the Quran and its Morphology)*, Beirut: Alam al-Kutub Press, 1408 AH (1988 CE).